

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوازدهم - شماره چهارم و هفتم - بهار ۱۳۹۹

ص: ۱۱۹ - ۱۳۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۴

تفاوت‌های جنسیتی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی در زوجین

فاطمه مهدی‌زاده^۱

علی‌دره کردی^۲

چکیده

توجه به روابط زناشویی به عنوان اساسی‌ترین کارکرد خانواده از اهمیت بالایی برخوردار است. تلاش در جهت شناختن عوامل موثرتر در بهبود روابط زناشویی می‌تواند به بهبود مداخلات روان‌شناختی در این زمینه کمک کند. هدف از تحقیق حاضر مقایسه جنسیتی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بود. این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه زوجین ۲۵ تا ۴۰ ساله شهر رفسنجان بودند. حجم نمونه ۲۰۵ زوج بود که بصورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸) و پرسشنامه طرح‌واره ناسازگار اولیه یانگ (۱۹۸۸) بودند. جهت تحلیل داده‌ها از رگرسیون با روش گام به گام استفاده گردید. نتایج نشان داد که در نمونه زنان حوزه‌های طرح‌واره‌ای بریدگی، دیگرجهت‌مندی و عملکرد مختل و در نمونه مردان طرح‌واره‌های حوزه بریدگی، گوش‌به‌زنگی و محدودیت مختل به ترتیب بیشترین توان پیش‌بینی در طلاق عاطفی را داشته‌اند. براساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت در مداخلات زناشویی بهتر است ضمن بهبود طرح‌واره‌های بریدگی در زوجین؛ در زنان تأکید روی طرح‌واره‌های دیگرجهت‌مندی و عملکرد مختل و در مردان تأکید روی طرح‌واره‌های گوش‌به‌زنگی و محدودیت مختل باشد.

واژگان کلیدی: طرح‌واره. طلاق عاطفی. ناسازگاری

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار، انار، ایران. fatemeh_mehdizadeh66@yahoo.com

ali.darekordi@gmail.com

۲ گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار، انار، ایران (نویسنده مسؤول).

مقدمه

نهاد خانواده در کنار نهادهای دین، اقتصاد، سیاست و آموزش و پرورش، یکی از پنج نهاد بنیادین اجتماعی است که بسیاری از نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی انسان‌ها در چارچوب آن برآورده می‌شود. اما امروزه ساختار خانواده ایرانی با چالش‌های متعددی مواجه است. تعارض و ناسازگاری بین زوجین، بین والدین و فرزندان، فرار فرزندان از خانه و طلاق عاطفی از مشکلات ویژه درون خانوادگی است (مومنی، ۱۳۸۹). در حالت طلاق عاطفی زوجین با وجود حضور فیزیکی در یک مکان واحد، به لحاظ ذهنی از هم جدا هستند و پایبندی آن‌ها به تعهدات متقابل زناشویی به تدریج رو به زوال می‌رود. طلاق عاطفی یکی از مهم‌ترین مشکلات خانواده ایرانی است که در اغلب موارد منجر به طلاق رسمی می‌شود. و بستری مناسب برای روابط فرزندناشویی می‌باشد. هانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. به عقیده او زن و شوهر اگرچه ممکن است باهم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن‌ها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی بیانگر فاصله ذهنی بین زوجین است که متضمن فقدان اعتماد و آشفتگی واقعی خانواده است (محمدی، ۱۳۹۵). در سبب‌شناسی عوامل مرتبط با طلاق عاطفی عوامل متعددی در پژوهش‌های مختلف شناسایی شده است که از آن جمله می‌توان به تنظیم شناختی هیجان (اکبری، ۱۳۹۵)؛ سبک‌های دلبستگی (هادی، ۱۳۹۵)؛ خودمتمایزسازی (عزیزی و سنگتراش میرآقائی، ۱۳۹۷)؛ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (لعل زاده، ۱۳۹۴؛ رایان، ۲۰۱۴) اشاره کرد. یکی از عواملی که در ادبیات پژوهشی در زمینه روابط زناشویی در سال‌های اخیر مورد توجه بوده است؛ طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه هستند. یانگ معتقد است طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خود-آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در مسیر زندگی تکرار می‌شوند. طرح‌واره‌های ناسازگار موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند. این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به صورت سوءتفاهم، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و انتظارات غیرواقع‌بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوءبرداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی تأثیر می‌گذارند زیرا طرح‌واره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران به ویژه شریک زندگی تأثیر دارند، از آنجا که طرح‌واره‌های ناسازگار ناکارآمدند، ناخشنودی در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند (گیلبرت^۱، ۲۰۱۳). بحث درمان‌های مبتنی بر طرح‌واره درمانی نیز در زمینه بهبود روابط زناشویی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است و اثربخشی آن در پژوهش‌هایی مانند (همتی، مداحی، حسینیان و خلعتبری، ۱۳۹۷) مورد بررسی قرار گرفته است. مداخلات مبتنی بر طرح‌واره درمانی روی شناخت افراد از طرح‌واره‌های خود و زیر سؤال بردن اعتبار آنها متمرکز است و تلاش دارد به افراد کمک کند تا ضمن شناخت نقایص خود برای رسیدن به الگوهای ارتباطی بهتر تلاش کنند. به شناخت

رساندن و شناسایی طرح‌واره‌های آسیب‌زا و همچنین تلاش برای تغییر آنها با توجه به گسترده بودن حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار در اثربخشی و بالابردن اثربخشی درمان محدودیت ایجاد می‌کند. و طولانی شدن طول دوره درمان نیز بویژه در درمان‌های گروهی با کاهش هم‌کاری زوجین و کناره‌گیری آنان از دوره درمان همراه است. اگر این فرض را که طرح‌واره‌های ناسازگار از طریق سوء تعبیر و نگرش‌های تحریف شده روی روابط زناشویی تاثیر منفی می‌گذارند؛ را بپذیریم و این اصل را هم در نظر بگیریم که الگوهای ارتباطی زنان و مردان بر مبنای ماهیت زیست‌شناختی و روان‌شناختی آنان متفاوت است؛ می‌توان انتظار داشت که اولاً ماهیت طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان و مردان متفاوت باشند و ثانیاً ارتباط درونی طرح‌واره‌های ناسازگار با روابط اجتماعی، عاطفی و زناشویی نیز متفاوت باشد. یانگ معتقد است که جنسیت در نحوه بروز عوامل محیطی بر آسیب‌شناسی نهایی موثر است (به نقل از عرب‌پور، خسروی و صرامی، ۱۳۹۷). پژوهش‌های انجام شده در مورد تفاوت‌های جنسیتی در طرح‌واره‌های ناسازگار همسو نیست. مطالعه طالع بکتاش، یعقوبی و یوسفی (۲۰۱۳) عدم تفاوت معنی‌دار زنان و مردان در طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را نشان داد در حالی که نتایج پژوهش عرب‌پور، خسروی و صرامی (۱۳۹۷) حاکی از تفاوت زنان و مردان در برخی حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مانند گوش به‌زنگی، بریدگی و حدود مرز مختل بود. در مطالعات (آهامی، ممد، آزویی، دلسیا، ایناچ و استانجیو، ۲۰۱۷؛ احمدپناه، آستین صدف و آخوندی، ۲۰۱۷؛ و غمخوارفرد و همکاران، ۲۰۱۴) نیز تفاوت معنی‌داری بر حسب جنسیت در برخی حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه گزارش شده است. از این رو شناسایی حوزه‌های اختصاصی و مهم طرح‌واره‌های ناسازگار در زنان و مردان در پیش بینی ناسازگاری‌های زناشویی و طلاق عاطفی زوجین می‌تواند ضمن هدف‌مندتر کردن مداخلات مبتنی بر طرح‌واره‌درمانی در این زمینه، به شکل‌گیری پروتکل‌های درمانی فشرده‌تر ولی اثربخش‌تر کمک کند. با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که در زنان و مردان کدام طرح‌واره‌های ناسازگار نقش مهم‌تری در پیش بینی طلاق عاطفی دارند؟

پیشینه نظری

یکی از پدیده‌های شناختی که در روابط نقش مهمی دارند طرح‌واره‌های ناسازگار هستند. طرح‌واره مفهومی در روانشناسی شناختی است که به بررسی این نکته می‌پردازد که افراد چگونه می‌اندیشند، چگونه ادراک و پردازش می‌کنند و چگونه اطلاعات را به یاد می‌آورند. طرح‌واره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران به ویژه شریک زندگی تأثیر دارند، رشد طرح‌واره اغلب به دوران کودکی بازمی‌گردد. مطابق نظریه یانگ بعضی افراد به خاطر تجارب منفی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه‌ای را ایجاد می‌کنند که بر شیوه تفکر، احساس و رفتار آنها در روابط صمیمانه بعدی و سایر جنبه‌های زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد (لعل زاده، ۱۳۹۴). یانگ معتقد است که طرح‌واره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند که این نیازها عبارتند از: دلبستگی ایمن، شدن دیگران، خودگردانی، کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح،

محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشن‌داری. طرح‌واره‌ها مطابق با پنج نیاز تحولی کودک به پنج حوزه ۱. بریدگی و طرد ۲- خودگردانی و عملکرد مختل ۳- محدودیت‌های مختل ۴-دیگر جهت مندی ۵- گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری تقسیم شده‌اند که هرکدام شامل چند طرح‌واره می‌شوند. حوزه بریدگی و طرد شامل طرح‌واره‌های ره‌اشدگی /بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص /شرم و انزوای اجتماعی /بیگانگی است. حوزه خودگردانی و عملکرد مختل شامل طرح‌واره‌های وابستگی /بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خود تحول نیافته گرفتار و شکست است. حوزه محدودیت‌های مختل شامل استحقاق /بزرگ منشی، خویشن‌داری و خود انطباقی ناکافی است. حوزه دیگر جهت‌مندی شامل طرح‌واره‌های اطاعت، ایثار و پذیرش جویی است و حوزه گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری شامل طرح‌واره‌های منفی‌گرایی /بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه /عیبجویی افراطی و تنبیه است (کاظمی و مطهری، ۱۳۹۲).

پیشینه تجربی

نتایج پژوهش عربپور، خسروی و صرامی (۱۳۹۷) در زمینه مقایسه جنسیتی در طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نشان داد در حوزه‌های گوش به‌زنگی، بریدگی و خودمرز مختل تفاوت معنی‌داری بین زنان و مردان وجود دارد. همچنین طالع بکتاش، یعقوبی و یوسفی (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی و مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان و مردان پرداختند نتایج این تحقیق نشان داد تفاوت معنی‌داری بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه زنان و مردان وجود ندارد. نوایی و محمدی آریا (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و توجیه روابط فرا زناشویی در افراد متأهل نشان دادند به‌جز طرح‌واره ایثار سایر حوزه‌های طرح‌واره پیش‌بینی‌کننده روابط فرا زناشویی هستند و در بین متغیرهای جمعیت شناختی نیز تنها جنسیت در توجیه روابط فرا زناشویی نقش داشت. پژوهش کاظمی و مطهری (۱۳۹۲) نیز تفاوت‌های جنسیتی در برخی ابعاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را تأیید کرده‌اند. در این پژوهش زنان در طرح‌واره‌های خودگردانی و عملکرد مختل نمره بالاتر داشتند و مردان در طرح‌واره‌های حوزه جدایی و طرد نمره بالاتر داشتند. در خارج از کشور نیز مطالعات به بررسی و مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زنان و مردان پرداخته‌اند. نتایج مطالعات آهامی، ممد، آزویی، دل‌سیا، ایناچ و استانجیو (۲۰۱۷) نشان داد تفاوت معنی‌داری بین برخی ابعاد طرح‌واره ناسازگار در زنان و مردان را تأیید کرده است. دل‌سیا و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان دادند که زنان در طرح‌واره‌های حوزه جدایی و طرد و همچنین گوش به‌زنگی نمره بالاتری دارند و در سایر حوزه‌های طرح‌واره مردان نمره بالاتری داشتند. جانسون (۲۰۱۵) نیز در تحقیق خود دریافت که زنان در طرح‌واره ایثار نمره بالاتر دارند و مردان در طرح‌واره استحقاق نسبت به زنان نمره بالاتری دارند.

تعاریف مفهومی

طرح‌واره بریدگی و طرد

به معنی عدم ارضای نیازهایی مانند امنیت و همدلی به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی است (جانسون، ۲۰۱۵). عملکرد و خودگردانی مختل این طرح‌واره اشاره به ارتباط ناقص والدین در سنین اولیه اشاره دارد که اعتماد فرد در بزرگسالی را کاهش داده و عملکرد مستقل او را با شکست مواجه می‌سازد (جانسون، ۲۰۱۵).

محدودیت‌های مختل

این طرح‌واره به عدم وجود مسؤولیت‌پذیری اشاره دارد که مشکلاتی در ارتباط با رعایت حقوق دیگران، تعهد یا هدف‌گزینی را بدنبال دارد (جانسون، ۲۰۱۵).

دیگر جهت‌مندی

طرح‌واره دیگر جهت‌مندی به احساس اجبار نسبت به واگذاری افراطی کنترل خشم، محرومیت یا انتقام مربوط می‌شود و منجر به اطاعت از نیازها و هیجان‌ها می‌شود (جانسون، ۲۰۱۵).

گوش به زنگی بیش از حد و بازداری

طرح‌واره گوش به زنگی در نتیجه تاکید بیش از حد بر واپس زنی احساسات بوجود می‌آیند (جانسون، ۲۰۱۵).

طلاق عاطفی

طلاق است که به موجب آن، زن و شوهر با یکدیگر ارتباط صمیمی‌ای ندارند و نمی‌توانند درباره احساسات و عواطف خود با یکدیگر حرف بزنند و ارتباط زناشویی مناسبی هم ندارند (مومنی، ۱۳۹۰).

تعاریف عملیاتی

طلاق عاطفی

در پژوهش حاضر منظور نمره‌ای است که فرد در پرسشنامه گاتمن (۲۰۰۸) به دست می‌آورد.

طرح‌واره ناسازگار اولیه

منظور نمره‌ای است که فرد در پرسشنامه ۷۵ آیتمی یانگ (۱۹۸۸، نقل از لطفی و همکاران، ۱۳۸۶) به دست می‌آورد.

سئوالات پژوهش

کدام طرح‌واره‌های ناسازگار نقش مهم‌تری در پیش‌بینی طلاق عاطفی در مردان دارند؟

کدام طرح‌واره‌های ناسازگار نقش مهم‌تری در پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان دارند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های غیر آزمایشی و به طور دقیق‌تر از طرح‌های همبستگی است که بصورت پیش‌بینی یک متغیر از طریق یک یا چندمتغیر دیگر انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زوجین ۲۵ تا ۴۰ ساله شهر رفسنجان بود که در هنگام اجرای تحقیق در این شهر ساکن بودند و از زمان ازدواج آنها حداقل ۵ سال گذشته بود. حجم جامعه مورد بررسی براساس آمار بدست آمده ۱۱۲۷ زوج بود. روش نمونه‌گیری بصورت تصادفی بود که از نواحی مختلف شهر رفسنجان انتخاب گردیدند. حجم نمونه ۲۱۵ زوج بود که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص؛ پرسشنامه‌های مربوط به ۲۰۵ زوج تحلیل گردید.

ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه طرح‌واره ناسازگار اولیه یانگ

پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (فرم کوتاه) یک پرسشنامه ۷۵ آیتمی که توسط یانگ (۱۹۸۸)، نقل از لطفی، دنیوی و خسروی، (۱۳۸۶) برای ارزیابی پانزده طرح‌واره ناسازگار اولیه ساخته شد. این پانزده طرح‌واره عبارتند از: ۱- محرومیت هیجانی، ۲- طرد/رهاشدگی، ۳- بی‌اعتمادی/بدرفتاری، ۴- انزوای اجتماعی، ۵- نقص/شرم، ۶- شکست، ۷- وابستگی/بی‌کفایتی، ۸- آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، ۹- گرفتاری/در دام افتادگی، ۱۰- اطاعت، ۱۱- ایثار، ۱۲- بازداری هیجانی، ۱۳- معیارهای نامنعطف، ۱۴- استحقاق و ۱۵- خویش‌داری و خود انضباطی ناکافی. این ۱۵ طرح‌واره در درون ۵ حوزه مطابق با حوزه‌های تحولی اولیه قرار می‌گیرند. که برای پاسخ خود از یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده کنند. روایی این ابزار در پژوهش لطفی، دنیوی و خسروی (۱۳۸۶) مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد.

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن

پرسشنامه طلاق عاطفی از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن گرفته شده است. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۸ نوشته شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف است. این مقیاس ۲۴ سوال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد و نمره بالاتر نشان دهنده طلاق عاطفی بالاتر است. در پژوهش کاوه (۱۳۸۷) ضریب پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرنباخ (۰/۷۰) بدست آمده است که پایایی قابل قبول پرسشنامه را نشان می‌دهد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به طور کلی به منظور توصیف داده‌های جمع‌آوری شده از آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی و تحلیل رگرسیون با روش گام به گام در SPSS-19 استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته در نمونه مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته در نمونه مورد مطالعه

متغیرها	گروه نمونه	بریدگی	عمل کردم ختل	دیگر جهت مندی	گوش به-زنگی	محدودیت مختل	طلاق عاطفی
طلاق عاطفی	زنان	۰/۵۶**	۰/۶۶**	۰/۵۱**	۰/۴۸**	۰/۶۸**	
	مردان	۰/۵۱**	۰/۴۲**	۰/۲۵**	۰/۴۶**	۰/۲۷**	
کشیدگی	زنان	۱/۰۰	۰/۱۶	۰/۵۶	۰/۵۹	۰/۳۱	۰/۸۵
	مردان	-۰/۱۸	۰/۶۰	۰/۵۳	۰/۵۲	-۰/۲۶	۱/۱۸
چولگی	زنان	۰/۰۲	-۱/۱۷	-۰/۲۸	۰/۴۹	-۰/۹۰	-۰/۸۲
	مردان	۰/۶۸	۰/۲۹	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۰۴	۱/۵۴

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

جدول ۲ نشان می‌دهد که ارزش‌های کشیدگی و چولگی هیچ یک از متغیرها از محدوده بین +۲ و -۲ خارج نشده است. همچنین نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که مساله هم‌خطی بودن در بین متغیرهای پیش بین تحقیق رخ نداده است.

در جدول ۳ ادامه تحلیل رگرسیون با روش گام به گام برای بررسی معنی داری تغییر در شاخص‌های تبیین مدل رگرسیونی در گام‌های چندگانه در گروه نمونه مردان را نشان می‌دهد.

جدول ۳: بررسی معنی داری شاخص‌های تبیین مدل رگرسیونی در گروه نمونه مردان

گام	متغیر	F	سطح معنی داری	β	t	سطح معنی داری	R	شاخص تغییرات		
								سطح معنی داری	F	R^2 تغییرات
۱	مقدار ثابت	۶۷/۴۹	$p < 0.05$	۲۰/۹۳	۲۵/۷۵	$p < 0.05$	۰/۲۶			
	بریدگی			۰/۵۱	۸/۲۱	$p < 0.05$				
۲	مقدار ثابت	۴۱/۷۸	$p < 0.05$	۱۹/۳۹	۲۱/۴۰	$p < 0.05$	۰/۲۹			
	بریدگی			۰/۳۵	۴/۸۰	$p < 0.05$				
	گوش بزنگی			۰/۲۶	۳/۴۸	$p < 0.05$				

p<۰/۰۵	۹/۳۵	۰/۰۳۳	۰/۳۲	p<۰/۰۵	۲۱/۶۱	۲۹/۳۷	p<۰/۰۵	۳۲/۱۹	مقدار ثابت
				p<۰/۰۵	۵/۵۷	۰/۳۲			بریدگی
				p<۰/۰۵	۴/۶۴	۰/۲۴			گوش بزنگی
				p<۰/۰۵	۴/۲۱	۰/۲۱			محدودیت مختل

براساس نتایج بدست آمده در گام اول طرحواره حوزه بریدگی وارد معادله رگرسیون داشته است که ۲۶٪ از تغییرات مربوط به طلاق عاطفی را پیش بینی کرده است. در گام دوم حوزه طرحواره گوش به زنگی وارد معادله پیش بینی شده است که با افزایش تقریباً ۴٪ در میزان تبیین نقش مهنی داری در پیش بینی طلاق عاطفی داشته است. در گام سوم نیز حوزه طرحواره محدودیت مختل با افزایش ۳ درصدی در میزان تبیین نقش معنی داری در تبیین و پیش بینی طلاق عاطفی داشته است.

در جدول ۴ ادامه تحلیل رگرسیون با روش گام به گام برای بررسی معنی داری تغییر در شاخص های تبیین مدل رگرسیونی در گام های چنگانه در گروه نمونه مردان را نشان می دهد.

جدول ۴: بررسی معنی داری شاخص های تبیین مدل رگرسیونی در گروه نمونه مردان

گام	F	سطح معنی داری	متغیر	β	T	سطح معنی داری	R	R ² تغییرات	F	شاخص تغییرات	سطح معنی داری
۱	۱۶/۶۴	p<۰/۰۵	ثابت	۱۸/۴۹	۱۹/۹۹	p<۰/۰۵	۰/۴۶	۰/۴۶	۱۶۶/۶۴	p<۰/۰۵	p<۰/۰۵
			بریدگی	۰/۶۸	۱۲/۹۰	p<۰/۰۵					
۲	۱۱/۵۲	p<۰/۰۵	ثابت	۱۵/۷۴	۱۶/۰۴	p<۰/۰۵	۰/۵۴	۰/۰۷۸	۳۲/۹۶	p<۰/۰۵	p<۰/۰۵
			بریدگی	۰/۴۳	۶/۶۲	p<۰/۰۵					
			دیگرجهت مندی	۰/۳۷	۵/۷۴	p<۰/۰۵					
۳	۸۰/۲۴	p<۰/۰۵	ثابت	۱۵/۷۳	۱۶/۲۷	p<۰/۰۵	۰/۵۵	۰/۰۱۶	۶/۸۲	p<۰/۰۵	p<۰/۰۵
			بریدگی	۰/۳۹	۶/۰۶	p<۰/۰۵					
			دیگرجهت مندی	۰/۲۹	۴/۰۶	p<۰/۰۵					
			عملکردمختل	۰/۱۶	۲/۶۲	p<۰/۰۵					

نتایج بدست آمده در نمونه زنان نشان می‌دهد در گام اول ابعاد طرح‌واره حوزه بریدگی با ضریب رگرسیون استاندارد (۰/۶۸) وارد معادله رگرسیون شده‌اند که ۴۶٪ از تغییرات مربوط به طلاق عاطفی زنان را پیش‌بینی کرده‌اند. در گام دوم حوزه طرح‌واره دیگرجهت مندی وارد معادله پیش‌بینی شده است که با افزایش تقریباً ۷٪ در میزان تبیین؛ نقش معناداری در پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان داشته است. در گام سوم نیز حوزه طرح‌واره عملکرد مختل با افزایش ۱ درصدی در میزان تبیین نقش معنی‌داری در تبیین و پیش‌بینی طلاق عاطفی داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به مقایسه توان حوزه‌های مختلف طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی در زنان و مردان پرداخت. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد در مردان به ترتیب حوزه‌های بریدگی، گوش به‌زنگی و محدودیت مختل بیشترین نقش را در پیش‌بینی طلاق عاطفی داشته‌اند در حالی که در نمونه زنان حوزه‌های بریدگی، دیگرجهت مندی و عملکرد مختل به ترتیب بیشترین اهمیت در پیش‌بینی طلاق عاطفی را داشته‌اند. در ادبیات هر چند تلاشی در جهت مقایسه توان پیش‌بینی حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار در زنان و مردان صورت نگرفته است اما در زمینه مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار در زنان و مردان پژوهش عربپور، خسروی و صرامی (۱۳۹۷) نشان داد تفاوت معنی‌داری بین زنان و مردان در حوزه‌های گوش به‌زنگی، بریدگی و حدودمرز مختل وجود دارد. همچنین در مطالعه آهامی، ممد، آزویی، دلسیا، ایناچ و استانجیو (۲۰۱۷) نیز تفاوت معنی‌داری بر حسب جنسیت در برخی حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه گزارش شده است. تفاوت طرح‌واره‌ها در زنان و مردان می‌تواند ناشی از تفاوت‌های روان-شناختی و سیر تحولی آنان باشد. براساس نظریه داریل یم، کودکان از همان ابتدا نه تنها مستعد هستند تا به آسانی اطلاعات مربوط به طرح-واره‌های جنسیتی (مردانگی-زنانگی) را رمزگذاری و سازماندهی کنند بلکه از طریق محیط اجتماعی که در آن رشد می‌کنند طرح‌واره‌هایی را بدست می‌آورند که بر پردازش اطلاعات و حل مسأله در حافظه و نیز تنظیم رفتار آنها در بزرگسالی نقش دارد و چارچوبی برای هدایت رفتار آنان می‌شوند (خمسه، ۱۳۸۳). حال تفاوت در طرح‌واره‌های جنسیتی اساس شکل‌گیری طرح‌واره‌های شناختی نیز می‌شود. به عبارتی می‌تواند چنین تبیین کرد که تفاوت در طرح‌واره‌های جنسیتی به شکل‌گیری طرح‌واره‌های شناختی ناسازگار اولیه متفاوتی در زنان و مردان کمک می‌کند (تروبست، کولین و ابری، ۲۰۱۵).

همچنین بر مبنای تفاوت در رشد اخلاقی نیز می‌توان تفاوت در طرح‌واره‌های ناسازگار زنان و مردان را تبیین کرد. اگر براساس نظریه گیلیگان رشد اخلاقی زنان را بر مبنای اخلاق مداری و مبتنی بر روابط بپذیریم می‌توان به نتایج پژوهش‌هایی مانند غمخوار فرد و همکاران (۲۰۱۴) و جانسون (۲۰۱۵) که نمرات بالاتر زنان در طرح‌واره‌های طرد و ایثار و نمرات بالاتر مردان در طرح‌واره استحقاق در مردان استناد کرد که نتایج پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند. توان پیش‌بینی‌کنندگی اولی‌تر طرح‌واره‌هایی مانند دیگر جهت مندی در زنان براساس محتوای این طرح‌واره‌ها؛ براساس تبیین نظری تفاوت‌های نقش جنسیتی و رشد اخلاقی قابل انتظار است. در حوزه دیگر جهت مندی افراد به جای رسیدگی به نیازهای خود به دنبال ارضای نیازهای دیگران و حمایت و مراقبت از آنها هستند. آنها این کار را برای دستیابی به تأیید تداوم رابطه هیجانی یا اجتناب از انتقاد انجام می‌دهند.

در گروه نمونه مردان طرح‌واره‌های گوش‌به‌زنگی و محدودیت مختل نسبت به گروه نمونه زنان توان بیشتری در پیش‌بینی طلاق عاطفی داشتن. در طرح‌واره گوش‌به‌زنگی افراد احساسات و تکانه‌های خود انگیزنده را واپس زنی می‌کنند. آنها اغلب تلاش می‌کنند تا بتوانند طبق قواعد انعطاف‌ناپذیر و درونی شده خود عمل کنند ولو به قیمت از دست دادن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط صمیمی یا سلامتی. این رخداد در مردان بنا بر رشد اخلاقی استقلال طلبی و خودمختاری راحت‌تر اتفاق می‌افتد. اخلاق مبتنی بر عدالت مردان، در بافت هماهنگ ساختن تعاملات مستقل ظاهر می‌شود. جهت‌گیری اخلاقی مبتنی بر عدالت در میان مردان شایع‌تر است، زیرا روابط دلبستگی آنها با مادر، و شکل‌گیری هویت مردانه بعدی آنها ایجاب می‌کند که آنها از روابط اولیه خود جدا شده و از مادر فاصله بگیرند (باسول^۱، ۲۰۱۳). برای مردان، این جدایی، آگاهی آنها از تفاوت در روابط قدرت بین خود و بزرگسالان را تشدید کرده و بدین ترتیب، موجب دل‌مشغولی درباره نابرابری می‌شود. در شکل‌گیری طرح‌واره گوش‌به‌زنگی نیز دوران کودکی این افراد پر از خشونت، واپس‌زدگی و سخت‌گیری بوده و خویش‌داری و فداکاری بیش از حد بر خود‌انگیزگی و مستقل بودن غلبه داشته است. از این رو اگر این کودک پسر باشد در آینده تمایل بیشتری به فرار از فداکاری و ایثار و حرکت در جهت استقلال طلبی و خودمختاری دارد و حتی ممکن است نسبت به روابط صمیمی خود نیز اهمیت ندهد و در رابطه‌ای دیگر ضمن صمیمیت؛ استقلال طلبی و خودمختاری خود را جستجو کند.

بطور کلی می‌توان گفت با توجه به اینکه اساساً طرح‌واره‌های ناسازگار موجب سوگیری در تفسیر رویدادها و روابط می‌شوند. این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیر واقع‌بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوء برداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی (زندگی مشترک) تأثیر می‌گذارند زیرا طرح‌واره ۱ در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران (بوئزه شریک زندگی) تأثیر دارند، از آنجا که طرح‌واره‌های ناسازگار ناکارآمد هستند، ناخشنودی در روابط را در پی دارند و زمینه را برای جدایی و گرایش به روابط جدید فراهم می‌کنند (یوسفی، ادهمیان و عبدالحمیدی، ۱۳۹۵). در واقع می‌توان گفت زوجینی که دارای طرح‌واره‌های ناسازگار و محرومیت هیجانی هستند و خودکنترلی پایینی دارند، احتمال از هم‌پاشیدگی و نداشتن تعهد در آن‌ها بیشتر است. ارضاء کامل و به موقع نیازهای بنیادی روانی می‌تواند در ایجاد طرح‌واره‌های مثبت در زوجین موثر باشد و به رشد مقابله مؤثر با هیجان‌ها و مدیریت آنها کمک کند (نوایی، ۱۳۹۴). از آنجا که اطلاعات جمع‌آوری شده براساس سیاهه‌های خودگزارش‌دهی بوده است امکان سوءگیری در پاسخ‌ها و اجتماع پسند بودن آنها از طرف گروه نمونه وجود دارد. جهت اعتبار سنجی نتایج پیش‌نهاد می‌شود با تدوین مبانی نظری قوی‌تر از متغیرهای میانجی‌گر بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی؛ پژوهش‌های بعدی بصورت مدل‌یابی معادله ساختاری در زنان و مردان انجام و مدل‌های ساختاری در زنان و مردان مقایسه شود و با شناسایی میانجی‌گرهای مهم در زنان و مردان می‌توان کمک موثری در زمینه مداخلات روان‌شناختی طلاق عاطفی انجام داد.

از نظر کاربردی بودن نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت بهتر است در زنان توجه به طرح‌واره‌های مربوط به حوزه‌های بریدگی، دیگرجهت‌مندی و عملکرد مختل و در مردان ضمن توجه به طرح‌واره‌های مربوط به حوزه بریدگی؛ توجه ویژه به طرح‌واره‌های حوزه گوش‌به‌زنگی و محدودیت مختل در جلسات طرح‌واره درمانی می‌تواند به اثربخشی مداخلات و هدفمندتر کردن این مداخلات کمک کند.

تشکر و قدردانی

در پایان از همکاری گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد انار و همچنین مراکز مشاوره و معاونت اجتماعی دادگستری و اداره ثبت احوال که زمینه اجرای تحقیق حاضر را فراهم نمودند تشکر و قدردانی می‌شود.

References

Ahami, A., Mammad, K., Azzaoui, F., Z.Boulbaroud, S., Rouim, F. Z., and Rusinek, S. (2017). Early Maladaptive Schemas, Working Memory and Academic Performances of Moroccan Students. *Open Journal of Medical Psychology*, 2(6), 53-65.

Ahmadpanah, M., Astinsadaf, S., Akhondi. A, Haghghi, M., Sadeghi Bahmani, D. and Bran, S. (2017). Early maladaptive schemas of emotional deprivation. *Social Comprehensive Psychiatry*, 77, 71-79.

Akbari, L (1395). Predicting emotional divorce of couples based on early maladaptive schemas and emotion regulation. *Feyz Quarterly Journal*, 7(1): 1-7. [In Persian]

Arab Pur, S. Khosravi, Z & Sarami, Gh (1397). Investigating Gender Difference in Early Maladaptive Schemas and Coping Styles: The Schematic-Oriented Approach. *Journal of Psychological Social Studies of Women*, 16 (1). 68-43.[In Persian]

Azizi, M & Sangashrash Miraghaei, M (1398). Marital Infidelity Projections Based on the Separation of Marital Self-Determination and Marital Despair of Women Referred to Tabriz Counseling Centers. *Journal of Woman and Family Studies*. 43 (11), 17-7. [In Persian]

Basoal, AF. (2013). the interaction of fraternal birth order and body size in male sexual orientation. *Behavioral Neuroscience*. 17(8), 381-394.

Delcea, C., Enache, A. and Camellia D. et al. (2017). Assessing Maladaptive Cognitive Schemas as Predictors of Murder. *International Journal of Mental Health & Psychiatry*, 3(1), 32-45. Doi: 10.4172/2471-4372.1000142.

Ghamkhar, F, Z., Schneider, S., Hudson, J. L., Habibi, M., Pooravari, M. and Haji Heidari, Z. (2014). Early Maladaptive Schemas as Predictors of Child Anxiety: The Role of Child and Mother Schemas. *International journal of applied behavioral sciences*, 1(12), 9-18.

Gilbert, C.L. (2013). Marital quality in black and white marriages. *Journal of Family Issues*, 16(4), 431-441.

Hadi, M (2016). Structural Model of Marital Engagement Prediction Based on Attachment Styles and Intermediate Self-Control Variables and Early Maladaptive Schemas in People with Emotional Mutations. *Journal of Daneshvar*, 7(2),1-17. [In Persian]

Hanson, d. Lindbellend, w. (2016). Conflict management and dyadic adjustment among married couples. Unpublished doctoral dissertation. *Family Relations*. 6(4), 52-67.

Hemmati, M. Madahi, M . Hosseinian, S and Khalatbari, J. (1397). Comparison of the efficacy of couple therapy based on schema therapy and

couple therapy based on acceptance and commitment in family resilience. *Journal of Women and Family Studies*, 6 (2), 165-145. [In Persian]

Janson, D.L. (2015). Early maladaptive schemas in an Australian adult alcohol Dependent clinical sample: Differences between men and women. *Journal of Social Development Studies of Iran*. 3(4), 14-22.

Kaveh, S (2008). Spouses and infidelity and infidelity, investigating the effective factors and identifying the attributes and factors that constitute emotional divorce and the consequences of infidelity and infidelity. *Women in Development and Politics*, 4: 451-475. *Women in Development and Politics*, 4: 451-475. [In Persian]

Kazemi, H., Motahari, S (1392). The relationship between early maladaptive schemas and metacognitive states in male and female students. *Journal of Cognitive and Behavioral Sciences Research*, 1(3), 11-22.

Khamseh, A (1385). Investigating the Relationship between Sexual Behavior and Gender Role Schemes in Two Groups of Married Students: Comparing Sexual Behavior of Men and Women in the Family. *Journal of Family Studies*, 4(8), 338-327. [In Persian]

Lalzadeh, A (2015). The role of early maladaptive schemas in predicting emotional divorce. *Journal of Thought and Behavior*, 4(12), 45-32. [In Persian]

Lotfi, R. Jahani, V & Khosravi, Z (1386). Comparison of Early Maladaptive Schemas in Soldiers with B Personality Disorders and Healthy Soldiers. *Journal of Army University of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran*. 5(2), 1261-1266. [In Persian]

Mohammadi, A (2016). The Impact of Premarital Relationships on Marital Conflicts in Married Students of Tehran State University. *Journal of News and consulting research*, 2(11), 27-40. [In Persian]

Momeni, J (2010). The effect of group counseling with interpersonal approach on improving marital relationship of women affected by marital infidelity. *Quarterly Journal of Sociology*, 2: 21-64. [In Persian]

Navaei, M (2015). The Relationship between Early Maladaptive Schemas and Justification of Marriage among Married Persons. *Journal of Counseling News and Research*, 7(15), 89-73. [In Persian]

Rayan, j. M. (2018). Daily marital interaction and positive affect during marital conflict among newlywed couples. *Journal of family process*, 43(3), 301-314.

Talee-Baktash, S., Yaghoubi, H. and Yousefi. (2013). Comparing the Early Maladaptive Schemas and Cognitive Emotion Regulation Strategies in Obsessive-Compulsive Disorder Patients and Healthy. *Journal of Kashan University of Medical Sciences*, 17(5), 471-481.

Trost, K. K., Collin, R. I., & Embree, J. (2015). The role of emotion in social support provision: Gender, empathy, and expression of distress. *Journal of social and personal*, 18(4), 242-257.

Yousefi, R. Adhamian, E, & Abdolmohammadi, K (2016). The Role of Early Maladaptive Schemes, Personality Traits, and Attachment Styles in Predicting Students' Symptoms of Love Impact Syndrome in Female Students. *Journal of Psychological Social Studies of Women*, 14 (3), 190-171. [In Persian]

Gender differences in early maladaptive schemas in predicting emotional divorce

Ali darehkordi
Fatemeh Mahdizadeh

Abstract

Paying attention to marital relationships is the most important function of the family. Trying to identify the most effective factors in improving marital relationships can help improve psychological interventions. The purpose of the present study was to compare the gender of early maladaptive schemas in predicting emotional divorce of couples. This is a descriptive correlation study. The statistical population was all couples 25-40 years old in Rafsanjan. The sample size was 205 couples who were selected by convenience sampling. Data were collected using Guttman Emotional Divorce Questionnaire (2008) and Young's Early Maladaptive Schema Questionnaire (1988). Stepwise regression was used to analyze the data. The results showed that in the sample of females, the domains of shear, schema, and dysfunctional schema were the most predictive factors in emotional divorce, respectively. Based on the results, it can be said that in marital interventions, it is better to improve the incision schemes in couples; in women to emphasize other schemas of coping and dysfunction, and in men to emphasize earbob schemas and impaired restriction.

Keywords : Schema. Emotional Divorce. maladaptive.